

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: بابک آزاد

۲۳ جنوری ۲۰۱۶

به یاد "انگلس" رهبر کبیر پرولتاریا! (به مناسبت یکصد و نود و ششمین سالگرد تولد انگلس)

فردریک انگلس در شهر "بارمن" در منطقه "راین پروس" به دنیا آمد. کمونیست بزرگی که همچون یار و رفیق همزمش کارل مارکس، سراسر زندگی خود را وقف مبارزه در راه رهایی طبقه کارگر نمود و آموزش هایش در این زمینه هنوز هم راهنمای مبارزه رهاییبخش کارگران است. انگلس و مارکس که کار مشترک و طولانی شان به بنیانگذاری سوسیالیسم علمی و رشد و گسترش آن در جنبش طبقه کارگر انجامید از معدود متفکرینی هستند که افکار و ایده هایشان بر افکار انسانی تأثیر بس بزرگ و سترگی داشته و هنوز هم یاد و خاطره انقلابی آنان و آموزش های علمی شان شور مبارزاتی و چشم انداز پیروزی در طبقه کارگر می آفریند و راهنمای مبارزاتی طبقاتی کارگران است. برای این که انگلس را بهتر بشناسیم باید همچون خود او که در برخورد با پدیده های مختلف به بررسی زمینه تاریخی آن ها می پرداخت، زمینه تاریخی و دورانی که او در آن می زیست و تأثیرات آن شرایط بر تفکرات انگلس را مورد توجه قرار دهیم؛ چرا که در حقیقت افکار او محصول یک محیط اجتماعی معین و دوران تاریخی خاصی بود که او در آن متولد گشته و رشد یافت.

دوران ۷۰ ساله ۱۷۶۰ تا ۱۸۳۰ که تولد انگلس در آن قرار دارد در تاریخ جهان دوران "انقلاب صنعتی" نامیده می شود. اصطلاحی که اولین بار از سوی انگلس برای توصیف این دوره به کار گرفته شده است. با انقلاب صنعتی و رشد شیوه تولید سرمایه داری به جای کارگران قدیمی که از قرون ۱۶ و ۱۷ رشد کرده و حتی در نیمه اول قرن ۱۸ نیز جمعیت قابل ملاحظه ای را تشکیل می دادند، در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ طبقه ای از کارگران به وجود آمد که بخش وسیعی از جمعیت را در بر می گرفت. این همان پرولتاریا طبقه دوران ساز ما بود که با قامتی هر چه استوارتر در صحنه اجتماعی ظاهر شده و تأثیر تعیین کننده ای در کلیه مناسبات اجتماعی به جای می گذارد. در این دوران یعنی در بطن "انقلاب صنعتی"، انقلاب کبیر فرانسه در ۱۷۸۹ روی داد که منجر به حاکمیت بورژوازی در فرانسه شد و تأثیرات بس بزرگی در اروپا باقی گذاشت و سپس در همین دوران ما مواجه می شویم با شورش های وسیع کارگران علیه ماشین و شیوه های تکنیکی تولید در انگلستان به سال ۱۸۱۵؛ امری که نشان می داد طبقه جدید ضمن آن که علیه شرایط دهشتناک کار و زندگی خود به اعتراض برخاسته اما از دلایل واقعی وضعیت فلاکت بار خود آگاهی ندارد و سپس قتل عام وحشیانه کارگران منچستر در سال ۱۸۱۹ و سرانجام انقلابجولای ۱۸۳۰ در فرانسه. این

حوادث که همه بیانگر تلاطمات شدید طبقاتی در آن زمان بود تأثیرات بزرگ خود را در سراسر اروپا و از جمله ایالت راین پروس یعنی منطقه ای که انگلس در آن تولد یافت و از همه نقاط المان صنعتی تر بود، بر جای می گذاشت.

این دوران یعنی دوران نابودی قطعی فنودالیسم و رشد غول آسای شیوه تولید سرمایه داری و ظهور جنبش طبقه کارگر در بطن آن، جنبشی که هنوز به آگاهی و علم شرایط رهائی پرولتاریا نرسیده بود نمی توانست با مبارزات شدید ایدئولوژیک همراه نباشد. واقعیت این بود طبقه دوران ساز ما ضمن مبارزه علیه اجحافتی که بر او می شد ستم هائی که از سوی سرمایه داری بر او اعمال می گردید، می رفت تا به ایدئولوژی و برنامه های خاص خود دست یابد.

انگلس در این زمان در سن ۱۹ سالگی با طرد همه گرایشات مذهبی، به مثابه یک دمکرات انقلابی به صحنه پیکار طبقاتی وارد شد و به دلیل استعدادهای فراوانش خیلی زود یکی از نویسندگان معروف منطقه خود گردید. و ضمن پیوستن به "هگلی های جوان" در سال ۱۸۴۱ به طور داوطلبانه وارد گارد توپخانه برلین شد و در همین جا بود که در حالی که جزء افراطی ترین جناح چپ فلسفه **هگل** شمرده می شد، با **مارکس** آشنا گردید.

از این زمان به بعد زندگی **انگلس** و **مارکس**، به طور وسیعی به هم تنیده می گردد و دیگر نمی توان به زندگی و آثار **انگلس** اشاره کرد بدون این که همکاری و تأثیرات کارمشتراک ۴ ساله اش با **مارکس** را از نظر انداخت. به واقع زندگی این دو انسان طراز نوین و دو رهبر کبیر پرولتاریا چنان در هم تنیده است که یکی بدون دیگری به درستی قابل بررسی نمی باشد. و در حالی که **انگلس** فروتنانه در مورد **مارکس** تأکید می کند که: "تئوری مارکسیسم به حق به نام مارکس باید نامیده شود"، **مارکس** نیز در توصیف زحمات **انگلس** می گوید: "بدون کمک فداکارانه **انگلس** برای من غیر ممکن بود که کار عظیم بر روی سه جلد کاپیتال را به انجام برسانم".

انگلس در سال ۱۸۷۰ با برعهده گرفتن چند مسئولیت **مارکس** توانست انرژی **مارکس** را برای کار روی کاپیتال آزادتر سازد. وی در این سال به عضویت شورای عمومی انترناسیونال درآمد و به عنوان یکی از فعالترین و با پشتکارترین اعضای این شورا که توسط کنگره بین الملل و از کارگران کشورهای مختلف تشکیل شده بود، نقش ارزنده ای ایفا نمود. انترناسیونالی که از سال ۱۸۶۴ تا ۱۸۷۲ جنبش بین المللی کارگران را رهبری می نمود.

پس از مرگ **مارکس**، **انگلس** وظیفه داشت هم کارهای ناتمام **مارکس** را به پایان برساند و هم به تنهایی پاسخگوی مسائلی گردد که در مقابل مارکسیسم قرار داشت. وظیفه ای که با کار خستگی ناپذیر به انجام رساند. **انگلس** پس از مرگ **مارکس** در سال ۱۸۸۳ به ویژه در انترناسیونال دوم توانست نقش تعیین کننده ای را در پیوند دادن جنبش کارگری و مارکسیسم، در تدوین ستراتیژی انقلابی پرولتاریا و در مبارزه با اپورتونیسم ایفاء نماید.

از جمله آثار **انگلس** که نقش دوران سازی در تاریخ مارکسیسم باقی گذارد "آنتی دورینگ" بود که به نسل جوانی که به سوی مارکسیسم می گرویدند یاد می داد که چگونه سوسیالیسم علمی را بیاموزند و مبانی فلسفی آن را درک کنند.

در سالگرد تولد **فردریک انگلس** کبیر، رهبر فکری و عملی جنبش طبقه کارگر بین المللی باید با درس گیری از تلاش های خستگی ناپذیر او در راه تحقق اهداف طبقه کارگر با عزمی راسخ در راه تحقق تئوری این طبقه تا به آخر انقلابی گام نهاد و باید به خاطر داشت که **مارکس** و **انگلس** نه تنها زندگی خود را صرف تدوین تئوری پرولتاریا نمودند بلکه با همه وجود در راه تحقق آن نیز گام برداشته و با جمع بندی مبارزات طبقه کارگر همواره تأکید داشتند که برای این که پرولتاریا بتواند قدرت سیاسی را کسب کند و ساختمان جامعه سوسیالیستی را آغاز کند اول باید ماشین بوروکراتیک - نظامی بورژوازی ویران و نابود سازد تا سپس با اعمال دیکتاتوری پرولتاریا در جهت ساختمان سوسیالیسم گام بردارد.

این رهنمود مشخص که تجربیات خونبار کمون پاریس و انقلاب کبیر اکتوبر و دیگر انقلابات کارگری آن را به عینه ثابت کرده است در شرایط رشد و گسترش رفرمیسم و رویونیسم در جهان که به اشکال و صور گوناگون علیه

دیکتاتوری پرولتاریا سخن می گویند و به این طریق اندیشه های مارکس و انگلس را رد می نمایند باید سرلوحه فعالیت ها و عملکرد های همه کمونیست ها و من جمله کمونیست های میهن مان قرار گیرد. باشد تا با درک هر چه وسیعتر آموزش های مارکس و انگلس، آرمان های والای آنان را که جز آرمان های میلیون ها کارگر رنجبر نمی باشد ، در جامعه خود متحقق سازیم.

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۱۹۸ ، آذر ماه [قوس] ۱۳۹۴